

## بررسی دو تصحیف (اشتاد و بنات) در دیوان خاقانی

امیر سلطان محمدی<sup>۱</sup> (دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی)

سید منصور سادات ابراهیمی<sup>۲</sup> (دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی)

### چکیده:

خاقانی از شعرای دشوارگوی زبان فارسی است که این دشوارگویی عامل دست‌بردها و تحریف‌هایی برای آسان‌سازی اشعار او گشته‌است. البته گاه نیز خط فارسی و دقت خاقانی در بهره‌گیری از خاصیت این خط در جناس‌سازی عامل گشتگی در شعر او شده‌است. این همان چیزی است که جناس یا ایهام تصحیف گویند. طبعاً خاقانی در پرداخت ایهام یا جناس تصحیف ذهن مخاطب را به سمت وجهی می‌برد که منظور نیست اما فضای بیت آن را تمهید کرده‌است. همین نکته باعث ورود وجه متبادر به متن به جای وجه متبادر عه شده‌است. این تحریف باعث ایجاد وضعیت معنایی مبهم و چالش برای مصححان و شارحان بیت گردیده‌است. البته با تدقیق در فضای نسخه‌شناسی و معنایی بیت، می‌توان شکل اصح آن را دریافت و مورد تصحیفی آن را هم که خاقانی در ذهن داشته‌است، حدس زد. با بررسی، تدقیق و تحقیق در برخی از ابیات مشخص می‌شود که وجوه صحیح «اشتاد» و «بنات» در ابیات مصحح به وجوه سقیم «استاد» و «نات» بدل شده‌اند و به تبع آن و به طبع شروع نیز خالی از ایرادی نیست.

### کلیدواژه‌ها:

خاقانی، نسخه‌پژوهی، اشتاد (استادا)، بنات (نات!)

---

<sup>۱</sup> . soltanmohamadi.amir@yahoo.com

<sup>۲</sup> . msadatebrahimi@yahoo.com

## مقدمه:

خاقانی شروانی از شعرای دشوارگویی است که دریافت شعر او نیازمند توجه به ظرایفی است که دیوان او را دیرباب می‌کند. از زمان تالیف شروح قدیمی تا به امروز تلاش‌های بسیار زیادی در زمینه شرح اشعار خاقانی صورت گرفته است که ذکر فهرستی از آنها نیز از حوصله یک مقاله خارج است. در زمینه تصحیح اما از مشهورترین تصحیح‌های مورد استفاده (غیر طبع پر ایراد هند) می‌توان به تصحیح عبدالرسولی، سجادی و جهانگیر منصور اشاره کرد. همچنین طبع‌های نخعی و کزازی از در این زمینه شایسته توجه است. بی‌توجهی به ظرایف بلاغی و نکات غیرادبی (طب سنتی، نجوم، جغرافیا، آیات، روایات و ...) و همچنین تکیه به نسخه اساس در تصحیح دیوان خاقانی گاه باعث گزینش‌هایی گردیده است که تحقیقات پیرامنی و شواهد برون‌متنی و درون‌متنی خطا بودن آن گزینش و صواب بودن نسخه بدل‌های به حاشیه‌رفته را اثبات می‌نماید. در تصحیح عبدالرسولی ایراداتی مطبوع است که برخی از آنها بعدها در طبع سجادی اصلاح گشته است. تصحیح سجادی علی‌رغم اینکه بعد از تصحیح عبدالرسولی و با بهره‌گیری از نسخ عدیده همراه بوده و از استشاره فروزانفر هم بهره‌مند بوده، اما اصلاً کم‌عیب‌تر از طبع عبدالرسولی نیست و در مواردی باید گفت گزینش‌های عبدالرسولی به صواب مقرون‌تر است. (ن.ک: سلطان‌محمدی و سادات ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۷۹-۱۰۱) جهانگیر منصور نیز از آن‌جا که از یک نسخه بهره برده است، طبعاً از مزایای دیگر نسخ بی‌بهره بوده است. اعتماد به وجوه مختار<sup>۱</sup> سقیم مصححان باعث گردیده است که شروح نیز مملو از عیوب گردد. از این رو باید این نکته مهم متذکر گردد که یک شرح وقتی می‌تواند بی‌عیب یا کم‌عیب باشد که ابتدا رویکرد نسخه‌شناختی همراه با گزینش صواب داشته باشد.

علاوه بر تصحیح‌ها و شروح پژوهش‌های بسیار پر دامنه‌ای در دو دهه اخیر بر روی دیوان خاقانی صورت گرفته است که ذکر آنها مقال و مجالی فراخ می‌طلبد.